

حقوق بین الملل بشر دوستانه و بهره‌برداری نظامی از فضای ماورای جو

فریبا رضی پور^{۱*}، مرتضی نجفی اسفاد^۲

۱- پژوهشگاه هوافضا

۲- دانشگاه علوم قضایی

*شهرک غرب، خ مهستان

razipour@ari.ac.ir

در طول جنگ خلیج فارس ۱۹۹۰ ارزش دارایی‌های فضایی برای هدایت جنگ برای اولین بار در حد زیادی مشخص شده و عملیات طوفان صحرا به عنوان اولین جنگ فضایی نگرین شده و این واقعیت که استفاده از فناوری فضایی می‌تواند زیرساختی فراهم آورد تا به پیاده‌سازی استراتژی‌های نظامی کمک کند. فناوری فضایی نقشی مهم در عملیات نظامی ناتو در صربستان و کوزوو در ۱۹۹۹ و افغانستان در ۲۰۰۱ بازی کرد. در طول حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، ایالات متحده از فناوری ماهواره‌های سیستم موقعیت یاب جهانی برای هدایت بمب‌های هوشمند استفاده کرد. اصول «حقوق در جنگ» عموماً برای تنظیم مخاصمات مسلحانه روی زمین تنظیم شده و متناسب با عملیات نظامی در فضای ماورای جو نیستند. با وجود این تلاش‌ها باید برای تعریف، تبیین و توسعه اصول موجود با حداکثر شفافیت ممکن انجام شود. این مسائل در کنار مقاومتی که از سوی برخی کشورها صورت می‌گیرد به این معنی است که برای حفاظت از فضای ماورای جو از تهدیدات نظامی، قوانین موجود کافی نیست و قواعد خاص‌تری مورد نیاز هستند.

واژه‌های کلیدی: بهره‌برداری نظامی، فضای ماورای جو، حقوق بشر دوستانه، جنگ فضایی، سلاح فضایی، اسناد فضایی

مقدمه

کلوگ‌بریاند^۴ «جنگ» را غیرقانونی اعلام کرد، ولی مخاصمات مسلحانه هنوز ادامه داشته و پیچیده تر شده است، خصوصاً با توجه به نقش روزافزون بازیگران غیردولتی. به علاوه، محدوده خرابی‌های فاجعه بار و تلفات انسانی نیز بر اثر پیشرفت تسلیحات پیچیده (شامل استفاده از فناوری فضایی) گسترش یافته است.

قوانین و عرف‌های جنگی، ریشه در رویه نیروهای نظامی در میدان جنگ دارد و به عنوان شاخه مهمی از حقوق بین الملل گسترش یافته است [۲]. به دنبال کنفرانس سال ۱۸۶۴ در بروکسل، و مهم تر از آن، کنفرانس صلح لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ گامی بزرگ در توسعه قوانین بشر دوستانه، که روش و ابزار مخاصمه را محدود می‌کند و همچنین دسته‌هایی از افراد و اشیا را حفاظت

با توجه به قدرت ویرانگر و نابودی‌هایی که توسط مخاصمات مسلحانه در قرون مختلف به وجود آمده است، کشورها قوانینی را برای کم کردن اثرات ویرانگر آن ایجاد کرده‌اند [۱]. این اصول، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی یا حقوق در جنگ^۳، در طول زمان با توافق تدریجی جامعه بین‌المللی مبنی بر اینکه باید محدودیت‌های قانونی مشخصی وجود داشته باشد که قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانه باشد، به وجود آمده‌اند [۱]. در واقع هدف این قوانین محدود کردن تأثیرات وحشتناک جنگ است. گرچه پیمان

۱. دکتری و پژوهشگر پژوهشگاه هوافضا (نویسنده مخاطب)

۲. استادیار

4. Kellog-Briand pact (1928)

3. Jus in bello

شده اعلام می‌کند، برداشته شد و منجر به انعقاد چند معاهده مهم شد که امروزه نیز اجرا می‌شوند.

معاهدات دیگری نیز با جزئیات بیشتر، محدودیت‌های افزون‌تری بر آنچه شامل رفتار قابل قبول در مخاصمه‌ای مسلحانه می‌شد مشخص کردند. برای مثال، بندهایی از کنوانسیون لاهه که استفاده از مواد یا تسلیحات سمی و گازهای خفه‌کننده را محدود می‌کرد، توسط پروتکل ۱۹۲۵ ژنو گسترده‌تر شد [۳]. ولی، وقایع وحشت بار جنگ جهانی دوم کافی نبودن قوانین موجود را، به خصوص در ارتباط با رفتار با غیرنظامیان نشان داد. کنوانسیون‌های چهارگانه سال ۱۹۴۹ ژنو برای فائق آمدن به این معضلات تصویب شدند که بعدها توسط پروتکل‌های الحاقی تقویت شدند [۴].

حقوق بشردوستانه بین‌المللی اکنون بخش تکامل یافته حقوق بین‌الملل است که جنبه‌های زیادی از نبرد زمینی را شامل می‌شود. اهمیت الزاماتی که تحت حقوق بشردوستانه بین‌المللی شناخته می‌شود - خصوصاً آن‌هایی که در کنوانسیون‌های سال ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های سال ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی سال ۱۹۷۷ ایجاد شدند - توسط قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در ارتباط با حفاظت از غیرنظامیان در نبردهای مسلحانه مورد تأیید قرار گرفتند [۵]. به علاوه، برقراری چندین مکانیسم رسیدگی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای اجرایی کردن این اصول، ساز و کار مذکور با ایجاد دیوان بین‌المللی کیفری (اولین دادگاه دائمی در نوع خود) به اوج خود رسید.

هدف اصلی از قوانین و عرف‌های جنگی به نوعی جلوگیری و بازدارندگی است. این هدف را می‌توان به خوبی در ماده ۲۲ دومین کنفرانس صلح لاهه که بیان می‌کند: «حق طرفین متخاصم برای انتخاب ابزار صدمه زدن به دشمن نامحدود نیست» مشاهده کرد [۶].

اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه

علاوه بر قوانین موجود، معاهدات مختلفی منعقد شده‌اند که قوانین مهم حقوق در جنگ را تعیین می‌کنند و در تکمیل آنها، چندین اصل پایه به وجود آمده‌اند که در ارتباط با رفتار طرفین متخاصم در طول نبرد بوده و در نتیجه بخشی حیاتی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تشکیل می‌دهند. این اصول عبارتند از: ضرورت، تفکیک و تناسب [۶].

ضرورت

ضرورت^۵، یک اصل پایه حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که استفاده از زور را با برقرار کردن ارتباطی منطقی میان میزان انهدام

با میزان نیروی مورد نیاز برای فائق آمدن بر دشمن، محدود می‌کند. ضرورت، التزام یکی از طرفین متخاصم برای مشخص کردن برتری‌های نظامی طرف دیگر است که تنها با حمله‌ای به آن میزان مقهور می‌شود. اصل ضرورت به طور صریح در حقوق مخاصمات مسلحانه به رسمیت شناخته شده است.

تفکیک

تفکیک^۶، یک اصل کلی حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که حمله‌کننده را ملزم می‌کند تا میان غیرنظامیان و اشیای غیرنظامی از یک سو و اهداف نظامی (رزمندها یا اشیاء) از سوی دیگر تفکیک قائل شود و از سلاح‌هایی با قابلیت تفکیک میان آن‌ها استفاده کند [۴]. این اصل در ابتدا به طور قراردادی در مقدمه اعلامیه سن پترزبورگ در سال ۱۸۶۸ آورده شد [۷]، که بیان می‌کرد جنگ باید تنها بر علیه نیروهای دشمن هدایت شود و بیش از یک قرن بعد در ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی مجدداً مورد تأیید قرار گرفت. این اصل طرفین متخاصم را وادار می‌کند میان غیرنظامیان و نظامیان و همین‌طور میان دارایی‌های غیرنظامی و اهداف نظامی تفکیک قائل شوند. باید گفت، به‌رغم پیشرفت‌های عمده در دقت سیستم‌های تسلیحاتی و شفافیت صحنه نبرد، پیروی از این اصل به سادگی صورت نمی‌گیرد.

اصل تفکیک بر انتخاب روش‌ها، تسلیحات و اهدافی تأکید می‌کند که مصونیت غیرنظامیان و مصدومان (بدون قید حصر شامل، افراد بیمار، مجروحان و کشتی شکستگان) را تأمین کرده و همچنین می‌تواند شامل محدودیت‌های جغرافیایی و سایر محدودیت‌ها شود. واضح است که به عنوان پیامدی از این اصل، حمله‌های عمدی بر علیه غیرنظامیان ممنوع است [۴]. به علاوه، طرف‌های درگیر در نبرد مسلحانه نباید از سلاح‌های کور که قادر به جداسازی میان نظامیان و غیرنظامیان نیستند استفاده کنند [۴]. این نیازها نشان‌دهنده ارتباط قوی میان دامنه قوانین بشردوستانه بین‌المللی و اصول حقوق بشر است.

تناسب

حتی در زمانی که یکی از طرفین، به یک هدف قانونی نظامی حمله می‌کند، دامنه نیروی نظامی استفاده شده و هرگونه صدمه و جراحت اعمال شده نباید بی‌تناسب با دستاوردهای نظامی پیش‌بینی شده باشد [۴]. اغلب، اعمال اصل تناسب^۷ در عمل دشوار است و تنها سند در دست در این زمینه، رأی مشورتی دیوان بین‌المللی

6. Distinction

7. Proportionality

5. Necessity

ممنوعیت نسبی) که در ۱۹۶۳ پذیرفته شد انفجارات آزمایشی سلاح‌های هسته‌ای، یا هر گونه انفجار هسته‌ای دیگر را «الف» در اتمسفر؛ خارج از حدود آن، شامل فضای ماورای جو، یا زیر آب، شامل آب‌های تحت مالکیت کشورها و یا دریاهای آزاد؛ یا (ب) در هر محیط دیگر، اگر چنین انفجاری منجر به وجود زباله رادیواکتیو خارج از محدوده حاکمیت کشوری شود که تحت نظارت آن چنین انفجاری رخ داده است» ممنوع کرده است [۸]. اهمیت نظامی این معاهده در واقع تأثیر آن به عنوان یک توافقنامه کنترل تسلیحاتی و همچنین زیست‌محیطی دربارهٔ جلوگیری از آلودگی هسته‌ای جهانی است. گرچه تولید پالس الکترومغناطیسی در فضا با استفاده از انفجار هسته‌ای ممکن است مزایای استراتژیک نظامی خاصی را خصوصاً به صورت سلاح ضدماهواره، به همراه داشته باشد، چنین عملیاتی توسط این معاهده ممنوع شده است.

ماده ۴ معاهده فضای ماورای جو انتقال یا حتی در مدار قراردادن سلاح‌های متعارف (شامل ضدماهواره‌ها) را ممنوع نمی‌کند [۹].

سلاح‌های انرژی جنبشی و سرعت بالا

سلاح‌های فضایی که با انفجاری در نزدیکی هدف شان شناخته می‌شوند احتمالاً واضح‌ترین نوع تسلیحات فضایی هستند. این نوع سلاح با شناسایی هدف، به سادگی به نزدیک آن رفته و با انفجار در مجاورت هدف، آن را منفجر می‌کند [۱۰]. ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی، قوانین اساسی قابل اعمال به روش‌ها و ابزار نبرد را مشخص می‌کند [۴]. در پاراگراف ۳ این ماده اظهار می‌دارد: «استفاده از روش‌ها یا ابزارهای جنگی که ممکن است صدمه گسترده، طولانی‌مدت و شدید به محیط زیست طبیعی وارد آورد ممنوع است.» اصطلاح «طولانی مدت» در این ماده به زمانی معادل چند دهه تفسیر شده است [۴]. با توجه به تأثیر ذرات به‌جاماندهٔ فضایی که از نابودی یک ماهواره ایجاد می‌شود، چنین سلاحی می‌تواند به عنوان نقض این محدودیت تلقی شود. از این جهت در صورتی که قوانین حقوق بشردوستانه بین‌المللی موجود را قابل تسری به فضای ماورای جو بدانیم، سلاح‌های ضدماهواره که چنین صدماتی ایجاد می‌کنند، ممنوع خواهند بود. در عین حال، یک سلاح ضدماهواره، که بدون انفجار هسته‌ای پالس الکترومغناطیس تولید می‌کند، ممکن است به عنوان یک سلاح اتمی در نظر گرفته نشود و در حوزه پاراگراف ۳ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی قرار نگیرد. مشکل سلاح‌های پالس الکترومغناطیس در مسئله دیگری به نام قدرت تفکیک است. سلاح ضدماهواره نباید به اصطلاح کور باشد و قدرت تفکیک نداشته باشد. یک حمله زمانی کور به حساب می‌آید

دادگستری در مورد مشروعیت تهدید به استفاده یا توسل به سلاح هسته‌ای است. در این نظر مشورتی دیوان اذعان می‌دارد با توجه به اینکه تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای باید مطابق با نیازهای حقوق بین‌الملل مخصصات مسلحانه و به‌طور خاص اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد، به طور قطع نمی‌توان گفت که تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در هر شرایطی نقض حقوق بین‌الملل است [۱].

سلاح‌های فضایی

سلاح‌های تشعشی و الکترومغناطیسی

اصلی‌ترین اسلحهٔ تابشی و الکترومغناطیسی بمب هسته‌ای است. سلاح‌های تابشی و الکترومغناطیسی ظرفیت از کارانداختن مدارهای الکترونیکی را با ایجاد یا ارسال پالس الکترومغناطیس یا تشعشع دارند [۶]. هر انفجار هسته‌ای در فضای ماورای جو می‌تواند ماهواره‌هایی را که از طریق حفاظت مدارهایشان در مقابل تشعشع یا سلاح‌های تابشی و الکترومغناطیسی ایمن نشده‌اند از کار بیندازد [۶]. سلاح‌های تابشی و الکترومغناطیسی برای مدارهای حفاظت نشده در محدودهٔ بسیار بزرگی ویرانگر هستند، و ماهواره‌های تا چند صد مایل دورتر از محل انفجار را نیز از کار می‌اندازند. ذرات بتا و اشعهٔ گاما ناشی از انفجار هسته‌ای نیز ممکن است کارایی تجهیزاتی فضایی را کاهش دهند زیرا امواج رادیویی و راداری را که برای کارایی این ماهواره‌ها حیاتی هستند تحت تأثیر قرار می‌دهند. ماهواره‌های حفاظت نشده و سیستم‌هایی که در مدار زمین با نیروی خورشید کار می‌کنند به طور خاص ضربه پذیرند، زیرا شعاع ریسک، صدها (گاهی هزاران) مایل در فضا گسترش می‌یابد. این می‌تواند منجر به خاموشی‌های فرکانس بالا در مناطقی وسیع گردد که با کارایی معیوب راداری و رادیویی همراه خواهد شد [۶]. به این ترتیب مشاهده می‌شود که قابلیت‌های ویرانگر انفجار هسته‌ای در فضا مزایای نظامی خاصی ایجاد می‌کند. زمانی که آبشاری از اشعه گاما از انفجار هسته‌ای در فضا با لایه‌های بالایی اتمسفر برخورد می‌کند، یک سلاح تابشی و الکترومغناطیسی ایجاد می‌شود. مشابه با صاعقه، سلاح‌های تابشی و الکترومغناطیسی تنها برای یک میلیونیم ثانیه دوام دارد ولی پتانسیل تخریب مدارهای حساس را دارد. وسایل الکترونیکی حفاظت نشده در فاصلهٔ چند صد مایلی مرکز انفجار ممکن است از کار بیفتند زیرا هر عنصر حفاظت نشده در مسیر آن مانند یک رسانا عمل می‌کند [۸].

در عین حال، باید توجه شود که معاهدهٔ ممنوع‌کنندهٔ سلاح‌های فضایی در اتمسفر، فضای ماورای جو و زیر آب (پیمان

عموماً نیروهای عراقی را غافلگیر سازند. سیستم موقعیت یاب جهانی همچنین برای هدایت موشک‌های کروز شلیک شده نیروی هوایی ایالات متحده، از صدها مایل دورتر از اهدافشان و همچنین برای هدایت موشک‌های زمینی نیروی دریایی مورد استفاده قرار می‌گرفت [۱۲].

جنگ اطلاعات با توجه به وابستگی طبیعی‌اش به سیستم‌های ارتباطات راه دور فضایی درخور توجه است. به دلیل تکیه سنگین کشورهای پیشرفته فضایی بر فناوری برای کارایی نیروهای نظامی، تهدیدهای بالقوه به زیرساخت اطلاعاتی بر آمادگی نبرد تأثیر بسیاری خواهند داشت. با توجه به اینکه تاکتیک‌های جنگ اطلاعات شدیداً بر دارایی‌های فضایی تکیه دارند، دور از ذهن نیست که بگوییم جنگ اطلاعاتی می‌تواند به عنوان یک بخش از نبرد فضایی در نظر گرفته شود. عملیات اطلاعاتی یک کشور در جنگ چه به عنوان دستکاری فعالانه اطلاعات طبقه‌بندی شود و چه منفعلانه، قطعاً به عنوان یک ابزار یا روش نبرد ارزیابی می‌شود. از این دیدگاه، جنگ اطلاعاتی تحت قواعد حقوق در جنگ قرار خواهد گرفت [۱۲]. مختل کردن سیگنال‌های سیستم موقعیت یاب جهانی برای مؤثر بودن در مقابل مهمات هدایت شده توسط این سیستم، در محدوده وسیع، با نقض اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مشکلاتی را نیز در ارتباط با اصل تفکیک به وجود می‌آورد.

بررسی قانونمندی بهره برداری نظامی از فضای ماورای جو بر اساس اسناد بین‌المللی مرتبط

اصول حقوق بشردوستانه

در طول جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ ارزش فناوری‌های فضایی برای هدایت جنگ برای اولین بار در حد قابل توجهی مشخص شده و به عملیات طوفان صحرا به عنوان اولین جنگ فضایی نگریسته شد. این واقعیت مورد توجه قرار گرفت که استفاده از فناوری فضایی زیرساختی فراهم می‌آورد تا به پیاده‌سازی استراتژی‌های نظامی کمک کند. فناوری فضایی نقشی مهم در عملیات نظامی ناتو در صربستان و کوزوو در سال ۱۹۹۹ و افغانستان در سال ۲۰۰۱ بازی کرد [۶]. در طول حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، ایالات متحده از فناوری ماهواره‌های سیستم موقعیت یاب جهانی^{۱۲} برای هدایت بمب‌های هوشمند استفاده کرد.

به دنبال حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، حکومت ایالات متحده یک سند سیاست راهبردی را منتشر کرد که در آن بر نیاز به «نوآوری درون نیروهای مسلح که متکی بر تجربه و آزمایش با

که به سمت هدف نظامی خاصی نشانه نرفته باشد یا ابزار یا روش حمله را نتوان به سمت یک هدف نظامی خاص هدایت کرد [۴]. مشکل دیگر این است که منجر به ایجاد زباله فضایی می‌گردد. هدف قراردادن ماهواره‌های ارتباطات راه دور در مدار نزدیک به زمین^۸ (لئو) نیز از سوی دیگری مشکل ساز می‌شود چرا که این مدار توسط بسیاری کشورها به اشتراک مورد بهره‌برداری قرار گرفته است [۶].

سلاح‌های انرژی هدایت شده

تسلیمات انرژی هدایت شده^۹ شامل سلاح‌های لیزری و فرکانس رادیویی می‌شوند [۱۱]. یک اسلحه لیزری یک پرتو شدید تولید می‌کند. سلاح‌های لیزری می‌توانند برای صدمه فیزیکی به ماهواره یا تنها کور کردن حسگرهای ماهواره استفاده شوند. مطالعه سلاح‌های لیزری، شامل آن‌هایی که توانایی از کار انداختن ماهواره‌ها را دارند در اوایل سال ۱۹۶۰ آغاز شد و توجه مضاعفی را به عنوان بخشی از سیاست ابتکار دفاع استراتژیک^{۱۰} دولت ریگان به خود جلب کرد [۱۱]. از آن زمان، مشکلات بزرگ تکنیکی به طور مداوم حل شده‌اند و لیزرها تغییرات زیادی را در نبردها به وجود آوردند.

سلاح اطلاعاتی

سیستم موقعیت یاب جهانی که در سال ۱۹۷۰ ایجاد شد بر ۲۴ ماهواره عملیاتی در مدار متوسط زمین (متو)^{۱۱} در شش سطح مداری تکیه دارد. کارکرد کلیدی این سیستم، فراهم کردن جزئیات دربارهٔ مختصات است. در عصر سلاح‌های هوشمند، این سیستم عنصری اساسی در هدایت مهمات پرتاب شده از سلاح‌های هوا، دریا و زمین پایه به سوی اهدافشان است که این کار را با ارائهٔ اطلاعات سه بعدی انجام می‌دهد. این قابلیت برای پیاده‌سازی عملیات نظامی و در همین راستا برای حقوق مخاصمات مسلحانه مهم است. این سیستم قابلیت استفاده خود را در دو دههٔ اخیر ثابت کرده و در پیشبرد درگیری‌های آیندهٔ ضروری خواهد بود. در طول اولین جنگ خلیج فارس، نیروهای نظامی توسط پیشرفته‌ترین شبکهٔ اطلاعاتی که تا آن زمان در دست بود پشتیبانی می‌شدند، حدود ۷ میلیون تماس تلفنی و ۱۵۲ هزار پیام در روز توسط ماهواره‌های، خطوط زمینی و مایکروویو جابه‌جا می‌شد. نقش این ماهواره‌ها بسیار مهم بود، چراکه تعداد زیادی از وسایل نقلیه را قادر می‌ساخت تا با اطمینان بر روی صحرای بدون نشانه عراق در میان طوفان شن حرکت کنند و

8. Low Earth Orbit (LEO)
9. Directed Energy Weapons (DEW)
10. Strategic Defense Initiative (SDI)
11. Medium Earth Orbit (MEO)

12. General Positioning System (GPS)

حقوق بشر قابل اعمال است. رویه قضایی دیوان نورنبرگ، عملکرد دیوان بین‌المللی دادگستری، فعالیت‌های نهادهای حقوق بشری و انواع متعددی از اسناد و معاهدات مرتبط شامل کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ (ماده ۶۳ کنوانسیون اول، ماده ۶۲ کنوانسیون دوم، ماده ۱۴۲ کنوانسیون سوم و ماده ۱۵۸ کنوانسیون چهارم) و پروتکل‌های الحاقی در سال ۱۹۷۷ (بند ۲ ماده ۱ پروتکل اول و بند ۴ مقدمه پروتکل دوم)، همگی مبین مقبولیت جهانی و پذیرش عام شرط مارتنز در سطح بین‌المللی است [۱۶].

استفاده گسترده از این شرط، که توسط عمده کشورها پذیرفته شده است، نشان می‌دهد که خود بیانیه مارتنز می‌تواند به یک اصل عرفی حقوق بین‌الملل بدل گردد [۱۷]. در قانونی‌بودن تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته ای، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود اصولی را در نظر گرفت که شرط مارتنز از آنها به عنوان «انسانیت و اصول وجدان جامعه بین‌الملل» یاد کرده است. دیوان تأیید می‌کند که قوانین در جنگ باید به صورتی باشد که «از اعمال صدمه و ویرانی بیش از آنچه برای دستیابی به هدف نظامی لازم است» خودداری کند [۱].

وجود دکترین تعریف شده در شرط مارتنز به طور خاص برای مخاصمات مسلحانه قضایی به عنوان خلاقانه‌ترین نوع نبرد از نظر تکنولوژیک مهم به نظر می‌رسد، چراکه این دکترین به صورتی پویا، به طور ضمنی پیش‌بینی نیاز به کنترل ابزار و روش‌های نبرد گسترش یافته از طریق پیشرفت‌های تکنولوژیک را در نظر دارد و بدون توجه به این که چه ابزار یا روش جدیدی ایجاد خواهد شد، اصول و قوانین مخاصمات مسلحانه را تابع «حقوق بین‌الملل» ناشی از عرف‌های منتج از اصول انسانیت و وجدان عمومی می‌داند [۱۸].

به دنبال کنفرانس دیپلماتیکی که پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ژنو را به تصویب رساند، بندهای متفاوتی از دیگر معاهدات به بدنه حقوق بشردوستانه بین‌المللی، خصوصاً در ارتباط با محدودیت روی تسلیحات و تجهیزات خاص نبرد افزوده شد. این محدودیت‌ها، به ترتیب وقوع شامل معاهدات در مورد تسلیحات بیولوژیک، تکنیک‌های تغییردهنده محیط زیست، سلاح‌های متعارف، تسلیحات شیمیایی، لیزرهای کور کنند و مین‌های ضد نفر می‌شود. از میان این اسناد، کنوانسیون تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست (انمود)^{۱۴} بیشترین تأثیر را روی تحدید ابزار جنگی داشته است. انمود اولین سندی بود که به تخریب آگاهانه محیط‌زیست در زمان جنگ (و صلح) می‌پرداخت [۱۹]. این معاهده از آن جهت اهمیت خاصی برای نبردهای قضایی دارد که

روش‌های جدید برای نبرد است، عملیات مشترک را تقویت خواهد کرد، از برتری‌های اطلاعاتی ایالات متحده استفاده خواهد کرد و از مزایای علم و فناوری به طور کامل بهره خواهد برد» تأکید شده بود [۱۳]. به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از این سیاست، اعلام شد که حفظ برتری تکنولوژیک برای «تسلط بر بعد قضایی عملیات نظامی» اجتناب‌ناپذیر است [۱۴]. این روند نیازمند داشتن «توانایی دفاع از کشور، راهبری عملیات اطلاعاتی، حصول اطمینان از دسترسی ایالات متحده به صحنه‌های نبرد دوردست و حفاظت از زیرساخت‌ها و دارایی‌های حیاتی ایالات متحده در فضای ماورای جو» است [۱۳]. اتحادیه اروپا فضای ماورای جو را به عنوان یک بخش کلیدی از سیاست دفاعی و امنیتی تعریف کرده است. حتی برای کشورهای کوچک‌تر (مانند استرالیا) الزام سیاسی دنیای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به طور چشمگیری گستره سیاست قضایی ملی را تغییر داده است که نگرانی‌های نظامی و امنیت ملی مربوط به استفاده از فضای ماورای جو را پررنگ می‌سازد [۱۳].

باید اذعان داشت که هیچ منبع معاهده‌ای یا عرفی وجود ندارد که اصول خاص حقوق در جنگ را برای نبردهای قضایی تعیین کند. تنها نکته در مورد کاربرد قوانین جنگ برای عملیات نظامی قضایی مربوط به موردی است که در کنفرانس دیپلماتیک لاهه به عنوان «شرط مارتنز»^{۱۵} شناخته شده است [۱۵]. این بند که به نام نماینده روسی که پیشنهاد آن را داد نامگذاری شده، در مقدمه کنوانسیون دوم ۱۸۹۹ و کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ گنجانده شد. این شرط با قصد تکمیل قوانین محدودکننده در هر دو کنفرانس در چندین سند حقوق مخاصمات مسلحانه ظاهر می‌شود و عموماً به شکل زیر است: تا زمانی که مجموعه قانونی کامل‌تر از قوانین جنگی وضع شود، کشورهای عضو این سند موافقت می‌نمایند (در مواردی که در این معاهده یا دیگر موافقتنامه‌های بین‌المللی ذکر نشده است)، افراد عادی و طرفین متخاصم تحت حمایت و اقتدار اصول کلی حقوق بین‌الملل، که از عرف بین‌المللی در میان ملل متمدن و اصول انسانیت و اصول وجدان عمومی ناشی می‌شود، خواهند بود.

به زعم پروفیسور مارتنز محتوای این شرط سابقه‌ای تاریخی داشته و ریشه در آراء و اندیشه‌های حقوق طبیعی دارد. این اعلامیه در دنیای امروز، اگرچه میراثی از کنفرانس‌های صلح لاهه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم محسوب می‌شود، اما این مسئله بدان معنا نیست که مبانی آن محدود به آن دوره و در رابطه با موضوعی مشخص بوده باشد. چارچوب و اساس این شرط از همان زمان تدوین، همواره مورد توجه و استناد بوده و همان‌طور که اشاره شد در حال حاضر نسبت به کل قلمرو حقوق بشردوستانه و نیز

14. The Environmental Modification Convention (ENMOD)

13. Martens Clause

صحنه نبرد استفاده شود به‌وجود آمد. در دسامبر ۱۹۵۸، سازمان ملل بر نیاز برای جلوگیری از گسترش رقابت‌های ملی به این پهنه جدید تأکید کرد [۲۲]. در سال ۱۹۶۱، مجمع عمومی توصیه کرد که حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل بر «فضای ماورای جو و اجرام سماوی» نیز اعمال شود. این موضوع در قطعنامه مجمع عمومی در سال ۱۹۶۲ نیز تکرار شد، که تعدادی اصول مهم را که نهایتاً در معاهده فضای ماورای جو گنجانده شدند تعیین کرد [۲۳]. ارجاع خاص به منشور سازمان ملل با توجه به اینکه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اصل بنیادین سیستم به وجود آمده تحت آن سند است، مهم بود. ممنوعیت استفاده از زور که در بند ۴ ماده ۲ منشور به آن اشاره شده، ارائه‌دهنده عنصری کلیدی در روابط بین‌المللی است و به طور مشابه نیز قابل اعمال در استفاده از فضای ماورای جو است.

از سوی دیگر ماده ۵۱ منشور سازمان ملل-که «حق ذاتی» دفاع از خود را «اگر حمله‌ای نظامی اتفاق افتاد» تأیید می‌کند- نیز قابل اعمال بر فضای ماورای جو است. تحت اصول حقوق بین‌الملل، اعمال حق دفاع از خود منوط به محدودیت‌های حقوقی وسیعی از جمله اصول ضرورت و تناسب است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود در مورد قانونی بودن تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای بیان کرد: «منوط کردن استفاده از حق دفاع از خود به اصول ضرورت و تناسب در زمره حقوق بین‌الملل عرفی است.» به علاوه، حتی در زمانی که حق دفاع از خود به طور قانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد، کشوری که در دفاع از خود عمل می‌کند، تحت اصول حقوقی مخصصات مسلحانه قرار می‌گیرد [۱].

ماده ۴ پیمان فضا

طبق این ماده، کشورهای امضاکننده متعهد می‌شوند از استقرار هر نوع شیء حامل تسلیحات اتمی و سایر انواع سلاح‌های کشتار جمعی در مدار زمین خودداری ورزیده و از قراردادن این نوع تسلیحات در اجرام سماوی یا فضای ماورای جو به هر شکل پرهیز کنند.

کشورهای متعاقد باید از ماه و دیگر اجرام سماوی صرفاً بهره‌برداری‌های صلح‌آمیز کنند. ایجاد پایگاه‌های نظامی، تأسیسات و استحکامات و آزمایش هر نوع سلاح و انجام مانورهای نظامی در اجرام سماوی ممنوع است. استفاده از هر نوع تجهیزات و امکانات مورد نیاز برای اکتشاف صلح‌آمیز ماه و سایر اجرام آسمانی مجاز است.

پاراگراف اول این ماده، با انگیزه کنترل تسلیحات، استقرار تسلیحات کشتار جمعی در مدار زمین، اجرام آسمانی یا در فضای ماورای جو را ممنوع می‌داند. پاراگراف دوم ماهیت دیگری دارد و

«تکنیک‌های تغییردهنده محیط‌زیست» را به عنوان «هر تکنیکی برای تغییر- از طریق دست کاری مستقیم فرایند طبیعی- دینامیک، ساختار یا ترکیب زمین، شامل زیوگان، سنگ کره، آب کره و اتمسفر، یا فضای ماورای جو» تعریف کرده است. انمود تصریح می‌کند که هدف آن نه چندان مربوط به حفاظت محیط زیست، بلکه به عنوان محدودیتی در مقابل تلاش برای ایجاد تغییر در فرایندهای زیست محیطی به عنوان یک ابزار نبرد توسط کشورهاست. ابزار نبرد که توسط این معاهده محدود شده‌اند لزوماً نباید تأثیر مضر بر خود محیط‌زیست داشته باشند، این محدودیت‌ها، تنها به استفاده از محیط‌زیست به عنوان یک اسلحه اعمال می‌شود [۲۰]. البته تا زمانی که سلاح‌های فضایی، محیط فضای ماورای جو را از طریق دست کاری مستقیم فرایندهای طبیعی تغییر ندهند، این معاهده سدی در برابر ایجاد یا استفاده از سلاح‌های فضایی نخواهد بود.

در ارتباط با حفاظت از محیط زیست در زمان مخصصه مسلحانه، دیوان بین‌المللی دادگستری بر این اعتقاد است که به نظر نمی‌رسد که معاهدات زیست محیطی بتوانند یک کشور را از حق دفاع مشروع تحت قوانین بین‌المللی به دلیل تقابل این اصل با تعهداتش برای حفظ محیط زیست محروم سازند [۱]. با این وجود، دیوان بین‌المللی دادگستری بر اهمیت ملاحظات زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی و هدایت تحرکات نظامی تأکید کرده، و اظهار می‌دارد کشورها در دستیابی به اهداف نظامی خود با توجه به اصول ضرورت و تناسب، باید ملاحظات محیط‌زیستی را نیز در نظر بگیرند. احترام به محیط‌زیست یکی از عناصری است که در برآورد تطابق یک عمل با اصول ضرورت و تناسب به کار می‌رود [۱].

یکی از اصول پایه‌ای پیمان «اصول حاکم بر فعالیت‌های کشورها در اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، شامل ماه و دیگر اجرام سماوی» این است که فعالیت‌های اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو باید مطابق با حقوق بین‌الملل، شامل منشور سازمان ملل باشند.

یکی از دلایل اصلی برای گنجاندن این بند، نگرانی بسیاری کشورها بود که فضای ماورای جو به یک قلمرو جدید برای مخصصات بین‌المللی تبدیل نشود. آن گونه که بین‌چنگ عنوان کرده است فضای ماورای جو با خود یک بازی کاملاً جدید به همراه آورده است [۲۱].

بسیاری از اصول پایه که زیربنای معاهده فضای ماورای جو را تشکیل داده‌اند در زمانی شکل گرفتند که دنیا در عدم قطعیت و بی‌اعتمادی ناشی از فضای ژئوپولیتیک جنگ سرد بود. با پرتاب اسپوتنیک-۱ در اکتبر ۱۹۵۷ به فضا، در جامعه جهانی نگرانی در مورد استفاده از فضای ماورای جو برای اهداف نظامی، و همچنین ترس از این که ممکن است فضای ماورای جو نهایتاً به عنوان

را ملزم به اجرای آن دانست [۲۶]. تنها جایی در منشور که کاربرد زور را مجاز می‌داند ماده ۴۲ است و طبق آن شورای امنیت سازمان ملل متحد موظف است برای حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی، در زمینه کاربرد زور از طریق هوا، زمین و دریا اقدام لازم را انجام دهد. طبق این تعهد صریح، کشورها مکلف هستند تا از تصمیمات شورای امنیت، ناشی از ماده ۴۲ منشور تبعیت کنند [۲۷]. ماده ۴ پیمان فضا ماهیت الزام‌آور چندانی ندارد، اما تصمیمات اتخاذ شده در شورای امنیت برای کاربرد زور در فضای ماورای جو، بر تعهدات و ممنوعیت‌های حاصل از ماده ۴ ارجحیت خواهد داشت [۲۸].

ماده ۵۱ منشور ملل متحد اشعار می‌دارد: هیچ موضوعی در این منشور، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات ضروری برای برقراری صلح و امنیت بین‌المللی انجام دهد، مانعی برای اصل ذاتی دفاع فردی و جمعی از خود در برابر حمله مسلحانه بر علیه یکی از کشورهای عضو ایجاد نمی‌کند. اقدامات انجام شده کشورهای عضو در استفاده از حق دفاع از خود باید بی‌درنگ به اطلاع شورای امنیت برسد و نباید به گونه‌ای باشد که اقتدار و مسئولیت شورای امنیت را در چارچوب منشور برای اقدام ضروری برای حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی خدشه‌دار سازد.

کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات اشعار می‌دارد که معاهدات جدید (همانند پیمان فضا) در موارد تعارض بر معاهدات قبلی (مانند منشور ملل متحد) اولویت دارند. بر همین اساس، ممنوعیت ناشی از ماده ۴ پیمان فضا، بر همه شرایط قبلی، ارجحیت خواهد داشت؛ البته تصمیمات شورای امنیت، از جمله کاربرد نیروی نظامی، ارسال و کاربرد زور در موارد تخلف از ماده ۴ پیمان فضا، و تشبیه‌های ناشی از ماده ۴۲ منشور ملل متحد، استثناست. از سوی دیگر، با اینکه این موضوع در چارچوب تأثیرات ناشی از ماده ۴ پیمان فضا در مورد ماده ۵۱ منشور صادق است، باید توجه کرد که حق دفاع از خود فردی و جمعی، یک اصل پذیرفته شده عرفی بین‌الملل و بخش لاینفک ماده ۵۱ محسوب می‌شود [۲۸]. این موضوع از مفاد ماده ۵۱ به دست می‌آید، آنجا که «حق ذاتی» دفاع از خود را به رسمیت می‌شناسد.

اصول مربوط به قواعد آمره یا هنجارهای تخطی‌ناپذیر حقوق بین‌الملل عمومی^{۱۷}، در مواقع بروز تعارض، بر عبارات تصریح شده و تلویحی معاهدات اولویت دارند. بر همین مبنا، ماده ۵۳ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات اشعار می‌دارد: یک معاهده در صورتی که در زمان انعقاد، با قواعد آمره حقوق بین‌الملل در تعارض باشد، معتبر نیست. طبق این کنوانسیون، قواعد آمره حقوق بین‌الملل عمومی، قواعدی هستند که جامعه بین‌المللی آن را به طور عموم مورد پذیرش

حول محور اهداف صلح‌آمیز متمرکز شده است. در این پاراگراف، غیرنظامی شدن نسبی مورد توجه قرار دارد و مربوط به زمان صلح است. پایه این استدلال این است که مفهوم «اهداف صلح‌آمیز» که در مقدمه پیمان فضا نیز به آن اشاره شده، از سوی برخی کشورها و صاحب‌نظران به اهداف غیرتجاوزکارانه تعبیر شده است. برخی کشورها، مانند اتحاد شوروی (سابق)، عبارت «اهداف صرفاً صلح‌آمیز» را این‌طور تفسیر می‌کردند که تمام فعالیت‌های نظامی که از ماه ناشی می‌شوند ممنوع هستند غیر از اقداماتی که در پیمان فضا مجاز فرض شده‌اند. طرفداران این نظریه با این استدلال از آن دفاع می‌کنند که اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بین بهره‌برداری «صلح‌آمیز» و «نظامی» از انرژی اتمی تفکیک قائل شده و همه فعالیت‌های نظامی را غیرصلح‌آمیز تلقی می‌کند [۲۴]. سیاست‌مداران اتحاد شوروی (سابق) در تفاسیر قبلی مربوط به پیمان فضا، ترجیح می‌دادند تا واژه صلح‌آمیز را به غیرنظامی تعبیر کنند. با این حال بعضی دیگر از کشورها و صاحب‌نظران، مفهوم اهداف صلح‌آمیز را با اهداف غیرنظامی همخوان می‌دانند؛ شایان ذکر است که این دیدگاه را کشورهایی که نسبت به ارسال ماهواره‌های سنجنش از دور و ماهواره‌های نظامی یا با کاربرد دوگانه به مدار زمین اقدام کرده‌اند تایید نکرده‌اند [۲۵]. کشورهای غربی تأکید می‌کردند که عبارت صلح‌آمیز به مفهوم اقدامات غیر تجاوزکارانه است.

همچنین ماده ۳ پیمان فضاخواهان آن است که کشورهای متعاقد، فعالیت‌های مربوط به اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، از جمله ماه و دیگر اجرام سماوی را در چارچوب حقوق بین‌الملل، از جمله منشور ملل متحد و با در نظر گرفتن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ترویج تفاهم و همکاری‌های بین‌المللی به انجام رسانند.

نتیجه اجرای ماده ۳ در ممنوعیت‌های ماده ۴ تجلی می‌یابد. از سویی، اشاره به منشور ملل متحد به این مفهوم است که اقدامات فوق باید طبق منشور صورت پذیرد و ناهماهنگی میان منشور و پیمان فضا باید با ارجحیت منشور مورد توجه قرار گیرد. بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد اشعار می‌دارد که کشورها، از اعمال تهدید یا استفاده از زور، بر علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورهای دیگر خودداری ورزیده یا استفاده از این نوع تهدید یا زور به هر شکلی که در تعارض با اهداف منشور باشد، پرهیز کنند. ممنوعیت کاربرد زور توسط کشورها یک تعهد برای همه^{۱۵} است که باید همانند یک قاعده آمره^{۱۶} یا قاعده عرفی - بین‌المللی، همه کشورها

15. Erga omnes

16. Jus cogens

17. Peremptory norms of international law

و سبب می‌شود تا این برداشت به‌وجود آید که فهرست این اقدامات بسته شده و محدود به اقداماتی خاص هستند. از نقطه نظر دستور زبان به‌کار رفته در معاهده، با توجه به عدم استفاده از واژگان «مانند» یا «فعالیت‌های مشابه»، موضوع ممنوعیت‌ها نامحدود نیستند و لذا تفسیر محدود بیشتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

طبق تفسیر موسع از این ماده، موارد برشمرده، تنها نمونه‌هایی از اقدامات کلی‌تر ممنوع شده هستند یا اینکه مثال‌هایی هستند که بیان «اهداف صرفاً صلح‌آمیز» را محدود نمی‌کنند. در تفسیر محدود؛ «اهداف صلح‌آمیز» و «اهداف صرفاً صلح‌آمیز» هر دو جزء اصول مربوط به حقوق مخاصمات مسلحانه محسوب می‌شوند. در تفسیر مفهوم «اهداف صرفاً صلح‌آمیز» به‌عنوان قاعده حقوق بشردوستانه، بر شمردن فعالیت‌های غیرقانونی در معاهده ضرورتاً برای تعریف روش‌ها و یا ابزارهای اعمال حق قانونی دفاع از خود نمی‌باشد. تنها کاربرد «اهداف صلح‌آمیز» و «اهداف صرفاً صلح‌آمیز» مربوط به مخاصمه مسلحانه مرتبط با فعالیت‌های فضایی است که برای ممانعت از تغییر وضعیت از احقاق حق دفاع فردی و جمعی از خود به تهاجم و خشونت نسبت به تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور است. همچنین گفتنی است که بطور کلی دولت‌ها، درباره امور مربوط به قواعد آمره، که منجر به ایجاد محدودیت در آزادی عمل آنها در موضوعات مرتبط با امنیت ملی می‌شود، تمایلی به تفسیر موسع نشان نمی‌دهند.

ماده ۱ پیمان فضا

پیمان فضا که قدیمی‌ترین و مهم‌ترین معاهده بین‌المللی مرتبط با حقوق فضا محسوب می‌شود، دارای مفادی در رابطه با بهره‌برداری‌های نظامی از فضای ماورای جو است. در نگاه کلی، این معاهده اشعار می‌دارد که کشف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو باید بدون هر نوع تبعیض، برای همه کشورهای براساس برابری و مطابق با موازین حقوق بین‌الملل انجام پذیرد [۹]. همچنین کشف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو باید در راستای منافع همه کشورهای، صرف‌نظر از میزان توسعه‌یافتگی اقتصادی و علمی آنها، صورت گیرد [۹].

برخی صاحب‌نظران معتقدند متن این ماده از ایجاد تعهد حقوقی ناتوان است، ولی رفتار کشورها نشان‌دهنده یک نوع تعهد عمومی در مورد همکاری در انجام فعالیت‌های فضایی است [۲۴]. این ماده دارای یک اثر تفسیری بر سایر مواد معاهده است، به‌صورتی‌که هرچند این ماده کشوری را به سهیم کردن دیگران در منافع حاصل از فعالیت‌های فضایی خود متعهد نمی‌داند، با این حال بر منافع عمومی تأکید دارد. دستورالعملی که بند ۱ ماده ۱ به آن اشاره

و شناسایی قرار داده باشد و تنها در صورتی می‌تواند تغییر کند که قاعده دیگر حقوق بین‌الملل از همان نوع، جایگزین آن شده باشد. بر همین پایه، به جز در حالتی که پیمان فضا، خود جزئی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عمومی محسوب شود، حق دفاع از خود فردی یا جمعی، به‌عنوان قاعده آمره حقوق بین‌الملل، بر ممنوعیت‌های اشاره شده در پیمان فضا، اولویت خواهند داشت. بنابراین واضح است که کاربرد مشروع زور از سوی یک یا چند کشور، به‌عنوان اقدامات تنبیهی، تحت عنوان ماده ۴۲ یا ۵۱ منشور ملل متحد، نمی‌تواند توسط ماده ۴ پیمان فضا به‌ویژه در رابطه با ارسال تسلیحات اتمی و سلاح‌های کشتار جمعی و غیرنظامی شدن نسبی ماه و سایر اجرام سماوی، محدود شود. با این حال، کاربرد غیرقانونی زور، توسط یک یا چند کشور، به‌عنوان اقدام نظامی تجاوزکارانه، در تعارض با ماده ۴ پیمان فضا خواهد بود. این مسئله را نیز باید در نظر داشت که اگر خود ماده ۴ یک قاعده آمره باشد، حق دفاع از خود فردی و جمعی نیز در چارچوب همین ماده صورت می‌گیرد. حوزه کاربرد و محدودیت‌های اعمال شده در ماده ۴ به تفسیر محدود یا موسع از این ماده مشروط است. تفسیر محدود از «اهداف صرفاً صلح‌آمیز»، منجر به ممنوعیت فعالیت‌های نظامی خاص یعنی استقرار پایگاه‌های نظامی، تأسیسات و استحکامات، آزمایش هر نوع تسلیحات و انجام مانورهای نظامی در اجرام سماوی می‌شود. بر پایه منطق به‌کاررفته از سوی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در پرونده لوتوس، می‌توان استدلال کرد که آنچه به‌طور خاص ممنوع نشده باشد، از نظر قانونی مجاز تلقی می‌شود [۲۹]. با توجه به اصل حق دفاع از خود، این بحث مطرح خواهد شد که این محدودیت‌ها صرفاً در زمان صلح قابل اعمال هستند و انجام این اقدامات برای احقاق حق دفاع از خود مجاز خواهد بود. در برداشت دیگر از «اهداف صرفاً صلح‌آمیز» در ماده ۴، نکته جالب توجه این است که در موضوع ممنوعیت‌ها، عبارت «حمله» به‌کار نرفته است. عدم وجود این واژه، این بحث را به‌وجود آورده است که ممنوعیت‌های ذکر شده در ماده چهار معاهده، فقط به اقدامات نظامی در زمان صلح محدود می‌شوند. در حقوق بین‌الملل، عبارت «حمله» در حقوق مخاصمه مسلحانه و در بند ۱ ماده ۴۹ پروتکل الحاقی کنوانسیون ژنو تعریف شده و به اقدامی خشونت‌آمیز بر ضد طرف متخاصم اطلاق می‌شود. طبق بند ۲ ماده ۴۹ پروتکل الحاقی، یک حمله، صرف‌نظر از مکان وقوع آنکه روی زمین یا در فضای بین‌المللی ممکن است رخ دهد، می‌تواند هم یک عمل تهاجمی باشد و هم تدافعی [۴]. همچنین این نکته حائز اهمیت است که فعالیت‌های ممنوع شده در ماده ۴ پیمان فضا، با کلماتی نظیر «مانند» و «شبهه» محدود نشده و عناوین کلی را در بر می‌گیرند. اقداماتی که در این ماده انجام آنها غیرقانونی تلقی شده‌اند به روشنی ذکر شده‌اند

همین‌طور بر عکس [۲۴]. البته به‌نظر نمی‌رسد نویسندگان پیش‌نویس معاهده چنین اندیشه‌ای را در سر داشتند. یک مرجع حقوقی و صلاحیت‌دار برای نظارت بر وظیفه دولت‌ها در این مورد وجود ندارد. سود یا مزیت ناشی از یک فعالیت، نمی‌تواند تنها معیار تعیین‌کننده مشروعیت فعالیت فضایی تلقی شود. در فعالیت‌های فضایی، منافع جامعه بین‌المللی باید لحاظ شود. واژه منافع^{۱۸}، حوزه وسیع‌تری از واژه سود^{۱۹} را در بر می‌گیرد و کاربرد بیشتری دارد و الزاماً مفهوم مزیت را شامل نمی‌شود. در واقع توسعه، دفاع و حفاظت از منافع هزینه‌هایی را در بردارد. با این وجود در تحلیل این موضوع هم باید به واژه سود و هم واژه منافع توجه شود؛ همان‌طور که در معاهده با حرف ربط «و» به یکدیگر متصل شده‌اند. علاوه بر این، سود و منافع همه کشورهای، در فعالیت‌های خاص کشف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، ماه و اجرام سماوی باید در نظر گرفته شود. در همین چارچوب، منافع کشور مورد نظر هم در حوزه منافع تجاری و اقتصادی، هم در بخش منافع امنیتی ملی باید مورد توجه قرار گیرد.

تفسیر واژه «همه» حتی بیش از موضوع قبلی مشکل خواهد بود. در ابتدا بر اساس قواعد دستور زبان، می‌توان چنین استنتاج کرد که منظور از «همه»، همه کشورهای جامعه بین‌المللی است. ممکن است این تفسیر از نظر لغوی صحیح به‌نظر برسد، ولی در چارچوب پیمان فضا، و توجه به واقعیتهای حاکم بر مناسبات جامعه بین‌المللی، تفسیری غیرمنطقی و ساده‌اندیشانه خواهد بود. باید توجه شود که پیمان فضا فاقد مکانیسم خاصی برای دریافت دیدگاه‌های جامعه بین‌المللی است. همچنین، برداشت فوق از عبارت «همه» سبب خواهد شد هر کشوری به خود اجازه دهد تا از حق خود در نفی فعالیت‌های کشورهای که منافع و سود آن را در نظر نگرفته باشد، استفاده کند. از کلمه «همه» باید تلقی ارزش‌های جمعی که بطور کلی مورد پذیرش جامعه جهانی است، داشت. احتمالاً نمونه مناسب سود و منافع جمعی، در منشور ملل متحد عنوان شده، و آن سیستم امنیتی جمعی است [۳۲].

ماده ۱ پیمان فضا نباید به تنهایی مورد تفسیر قرار گیرد و لذا باید با توجه به ماده ۳ که مکمل آن است مورد توجه قرار گیرد که انجام فعالیت‌های فضایی را در کشف و بهره‌برداری از فضا، منوط به در نظر گرفتن منافع مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند. از این‌رو، عبارت «برای سود و منافع همه کشورهای» باید به‌عنوان ظرفیتی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، بر اساس قواعد منشور

می‌کند، به‌طور روشن شرایط سایر مواد معاهده را تعیین می‌نماید [۳۰]. چنانچه بند ۱ ماده ۱ به صورت نرماتیو یا قانونی مورد تفسیر قرار گیرد، این مسئله سبب تغییر در اصولی می‌شود که منجر به صدور رأی در پرونده لوتوس شد، آنجا که اشعار می‌دارد آنچه براساس حقوق بین‌الملل بطور خاص ممنوع نشده باشد مجاز تلقی می‌شود [۲۹]. قائل شدن چنین تأثیری به این ماده، مشروعیت فعالیت‌های فضایی را منوط به در نظر گرفتن منافع و سود همه کشورهای خواهد کرد. در هر حال، می‌توان استدلال کرد که بند ۱ ماده ۱ پیش‌فرض نامشروع بودن را در بر ندارد، چون که شیء فضایی به‌طور خاص منافی را برای جامعه بین‌المللی در بر ندارد و یا برای مأموریت‌های آن چنین منفعت‌هایی تصریح نشده است [۳۰]. در بهترین حالت، بند ۱ ماده ۱، یک تعهد معاهده‌ای ایجاد می‌کند که دولت‌ها طی آن باید فعالیت‌های فضایی خود را نه تنها با در نظر گرفتن منافع ملی خود، بلکه با توجه به منافع گسترده‌تر جامعه بین‌المللی انجام دهند و این موضوع نمی‌تواند مورد بی‌توجهی قرار گیرد [۳۰].

حال این سؤال به‌وجود می‌آید که اقدامات نظامی در بهره‌برداری از فضای ماورای جو چگونه می‌تواند با توجه به منافع و سود همه کشورهای انجام شود. چرا که فعالیت‌های نظامی، با توجه به ماهیت آنها، از سوی یک کشور بر ضد منافع و سود یک یا چند کشور دیگر، از جمله کاربرد زور و سایر انواع اقدامات تجاوزکارانه، در جهت دفاع از خود در مقابل حملات دیگران صورت می‌پذیرد. از این‌رو ضروری است تا اول زمینه حقوقی موضوع و مقتضیات منافع و سود همه کشورهای مشخص شود و سپس در مورد اینکه این الزامات چه تأثیری بر اقدامات نظامی کشورهای خواهد داشت بررسی لازم صورت گیرد.

در تفسیر ماده ۱ در مورد انجام فعالیت‌های فضایی برای منافع و سود همه کشورهای، موضوع مهم این است که این ماده تعهدی عام و مثبت را در بر دارد مبنی بر اینکه، فعالیت‌های فضایی کشورهای باید سودمند باشند و نه مضر. لذا در این فعالیت‌ها منافع و سود همه کشورهای در نظر گرفته شود. در ارتباط با فعالیت‌های ماهواره‌ای کشورهای، از جمله ارتباطات، پخش برنامه‌های تلویزیونی، سنجش از دور و تولید انرژی، به‌طور عام اقداماتی سودمند هستند و در نتیجه در چارچوب ماده یک قابل بررسی هستند. در این تحلیل، عبارت «سود» فقط در چارچوب محدود منافع اقتصادی و مالی یا انسان‌دوستانه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. واژه «سود» در پیمان فضا، بطور ضمنی به مزایای وسیع‌تر اشاره کرده است. چنانچه موضوعی برای کشوری سودمند تلقی شود، احتمالاً به ضرر کشور دیگری خواهد بود. همچنین موضوعی که امروز ممکن است سودمند باشد، با بروز اطلاعات جدید و درک تازه می‌تواند در آینده مضر باشد، و

18. Interest
19. Benefit

ملل متحد، از جمله فضای ماورای جو، ماه و سایر اجرام سماوی در نظر گرفته شود.

نکته دیگر اینکه در صورت در نظر گرفتن مواد ۱ و ۴ پیمان فضا در کنار یکدیگر، این مسئله به وجود می‌آید که منافع و سود همه کشورهای اشاره شده در ماده ۱ به ابزارها و روش‌ها نیز تسری می‌یابد؛ لذا این موضوع ممکن است منجر به بوجود آمدن تعهد به نتیجه شود. ماده ۴ به روشنی اشاره دارد بر اینکه برخی فعالیت‌های خاص نظامی در فضای ماورای جو ممنوع هستند. در صورت گسترش قاعده حقوقی اشاره شده در ماده ۱ در مورد سود و منافع همه کشورها به همه جنبه فعالیت‌ها، باید به این نکته اشاره کرد که معاهده فعلی مکانیسم و روشی برای سهم‌کردن همه کشورها در منافع حاصل از فعالیت‌های فضایی در اختیار ندارد. این مسئله سبب اعتراض اغلب کشورها خواهد شد. چنانچه مقصود از این قاعده، خود ابزارها بوده باشد، در این صورت این مسئله ممنوعیتی را برای کشورهایی که فعالیت‌های آنها برای منافع جامعه جهانی زیان‌آور باشد اعمال خواهد کرد. در دفاع از این نقطه نظر، برخی حقوقدانان معتقدند که تمام فعالیت‌های فضایی باید با در نظر گرفتن «منافع عمومی جهانی» صورت پذیرند و پیشنهاد می‌کنند که این موضوع تأییدکننده هر نوع کشف و بهره‌برداری از فضا که منجر به آسیب‌رساندن به کشور یا مردم و تمام بشریت یا بخشی از آنها و همچنین صدمه‌زدن به منافع مشروع آنها باشد نخواهد بود. این تفسیر ممکن است موجب بروز اختلاف نظر پیرامون دیگر قواعد حقوقی و حقوق دولت‌ها، مانند حق دفاع از خود به عنوان یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عمومی شود.

اگر ماده یک، وظیفه خاص و مثبتی را اعمال کند، این وظیفه بجای نتایج، بر فعالیت خاص تحمیل می‌شود، لذا این وظیفه ممکن است وظیفه منفی در جهت اینکه فعالیت مورد نظر در تعارض با ارزش‌های مورد پذیرش عام برای سود و منافع جامعه بین‌المللی نباشد، تلقی شود. در نتیجه، هنجار «اهداف صلح‌آمیز» در پیمان فضا، هدف فعالیت نظامی در فضای ماورای جو را به عنوان یک قاعده حقوق بر جنگ^{۲۰} مشروعیت می‌بخشد، به‌ویژه اینکه فعالیت نظامی با هدف غیرتجاوزکارانه باشد؛ در عین حال ماده ۱ پیمان فضا، قاعده «اهداف صلح‌آمیز» را تکمیل کرده و فعالیت نظامی را مشروعیت می‌بخشد.

بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد

طبق ماده ۳ پیمان فضا، فعالیت‌های فضایی باید مطابق با حقوق

بین‌الملل، از جمله منشور ملل متحد انجام شوند. به همین نسبت، منشور ملل متحد نیز تأکید دارد که تعهدات منشور، بر تعهدات کشورها در برابر سایر معاهدات بین‌المللی ارجحیت دارند [۳۳]. در نتیجه مفاد پیمان فضا باید طوری مورد تفسیر قرار گیرند که با تعهدات ناشی از منشور ملل متحد در اتحاد و پیوستگی قرار داشته باشند.

منشور ملل متحد سیستم امنیت جمعی را ابداع کرده است. بند ۴ ماده ۲ منشور اشعار می‌دارد دولت‌ها از تهدید یا کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی سایر کشورها پرهیز کرده و از هر نوع عملی که در تعارض با اهداف منشور ملل متحد باشد خودداری ورزند. دیوان بین‌المللی دادگستری این اصل را نه تنها به عنوان یک اصل عرفی بلکه به عنوان یک قاعده آمره شناسایی کرده تا دولت‌ها به رعایت آن ملزم شوند [۲۶]. یکی از دو استثناء وارد شده بر این اصل؛ کاربرد زور از طریق مرجع صلاحیت‌دار شورای امنیت است که در ماده ۴۲ منشور به آن اشاره شده است؛ «به منظور حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی، در صورت بروز یک تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عملی تجاوزکارانه، در صورت ناکافی بودن تنبیه‌های اقتصادی و تجاری» کاربرد زور مشروعیت خواهد یافت [۳۴]. استثنای دیگر، حق دفاع از خود فردی و جمعی است که در ماده ۵۱ منشور ذکر شده، «تا زمانی که شورای امنیت اقدامات ضروری را برای برقراری صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد». تحت هر شرایطی، حق کشورها در دفاع از خود فردی و جمعی، جزء حقوق عرفی بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است.

کاربرد زور در موارد زیر مشروعیت خواهد داشت:
زمانی که دفاع صرفاً به دفاع از خود فردی یا جمعی محدود شده باشد از جمله دفاع از خود پیش‌دستانه در شرایط خاص
زمانی که شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس ماده ۴۲ منشور اتخاذ تصمیم نماید.

زمانی که برای مداخلات بشردوستانه به کار رود (که البته این مورد محل اختلاف است).

با توجه به رفتار کشورها در عرصه بین‌المللی از سال ۱۹۴۵ به بعد، از جمله در مورد کاربرد زور، شاید بتوان به این نتیجه رسید که این اصل بیش از آنکه رعایت شود، نقض شده است. به‌رغم این وضعیت، همانطوری که دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه و نیز علیه این کشور اعلام نظر کرد، چنانچه دولتی به‌گونه‌ای عمل کند که بطور بدیهی آن عمل مخالف یک اصل پذیرفته شده حقوق بین‌الملل باشد ولی از این عمل خود دفاع کند و به استثنائات یا توجیهاات موجود در آن اصل توسل جوید، صرف‌نظر از اینکه آن اقدام براساس این استدلال موجه باشد یا نباشد، مفاد آن عمل بیش از آنکه سبب تضعیف

و بهره‌برداری از اجرام سماوی برای انجام چنین اعمال و تهدیداتی ممنوع است [۳۶]. این ممنوعیت‌ها در موافقت‌نامه ماه، نه تنها به ماه و دیگر اجرام سماوی در منظومه شمسی، بلکه به مدارهای اطراف نیز تسری می‌یابند. در هر حال، این ممنوعیت‌ها از نظر حقوقی تأثیرات محدودی بر بهره‌برداری قانونمند از نیروی نظامی اعمال شده از سوی شورای امنیت، تحت ماده ۴۲ منشور ملل متحد، به‌عنوان بخشی از قاعده آمراه حق مشروع دفاع از خود، که در ماده ۵۱ منشور به آن اشاره شده، دارند. عملکرد این دو ماده، بر ممنوعیت‌های ذکر شده در ماده ۴ پیمان فضا و ماده ۳ موافقت‌نامه ماه، همچنین کارکرد مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور ملل متحد و سپس ماده ۵۳ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات، اولویت دارند. مضافاً اینکه موافقت‌نامه ماه هیچگاه قصد تغییر قاعده آمراه حق مشروع دفاع از خود را نداشته است.

موضوع قانونی‌بودن ارسال تسلیحات متعارف به مدار زمین توسط بخش خصوصی، تا حدی با شک و تردید همراه بوده است. در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و کاربرد نیروی نظامی در مناسبات جامعه بین‌المللی، همواره کشورها موضوعیت داشته‌اند [۳۷]. در نتیجه، بخش‌های غیردولتی نمی‌توانند ارسال تسلیحات نظامی به فضای ماورای جو را از نظر قانونی توجیه کنند، به عقیده برخی صاحب‌نظران، دولت‌ها از حق ذاتی دفاع از خود، در کاربرد زور علیه فعالان غیردولتی برخوردارند [۳۷]. اگر بخش‌های غیردولتی در جهت استقرار تسلیحات متعارف در مدار زمین اقدام کنند، کاربرد چنین سلاح‌هایی در یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، از نظر حقوقی و در ارتباط با قواعد مشارکت مستقیم غیرنظامیان و سربازان مزدور در مخاصمات، مورد بحث خواهد بود. اصول پذیرفته شده در دادگاه اسرا [۳۸] در پایان جنگ جهانی دوم می‌تواند در مورد عملیات نظامی در فضای ماورای جو نیز کاربرد داشته باشد، به‌طور مشخص این قاعده عنوان می‌کند، غیرنظامیانی که به مخاصمات کمک و در آن مشارکت می‌کنند و سبب گسترش آن می‌شوند، مستحق مجازات جنایات جنگی، بر اساس قوانین حقوق بشردوستانه هستند. جنگیدن تنها برای نظامیان یک کشور قانونی تلقی می‌شود. لذا تنها گروه نظامیان می‌توانند اسیر جنگی تلقی شوند و در زمان بازداشت بعد از اسیر یا تسلیم شدن، مسئولیتی متوجه آنان نیست [۳۸].

همچنین ماده ۶ پیمان فضا اشعار می‌دارد که:

کشورهای متعاقد باید مسئولیت بین‌المللی فعالیت‌های ملی خود در فضای ماورای جو، شامل ماه و سایر اجرام سماوی را بپذیرند، خواه این فعالیت‌ها توسط بخش دولتی یا بخش‌های غیردولتی انجام پذیرند، و باید اطمینان حاصل کنند که این

آن اصل شود موجب تأیید آن خواهد شد [۲۶]. در نتیجه، بیشتر صاحب‌نظران متقاعد شده‌اند که کاربرد زور در روی کره زمین، تنها در سه مورد اشاره شده در فوق دارای مشروعیت است. شایان ذکر است، غیر از ممنوعیت استفاده از نیروی نظامی که عملی تجاوزکارانه، منشور ملل متحد، محدودیتی برای سایر فعالیت‌های نظامی در نظر نگرفته است. به‌طور نمونه، بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، از دولت‌ها می‌خواهد از کاربرد زور در روابط بین‌المللی خودداری ورزند، ولی در اینجا اشاره‌ای به سلاح نشده است [۲۶]. مواد ۶ و ۷ منشور، برخی اقدامات نظامی غیرکاربرد زور را برای حفظ صلح در جهت منافع مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در نظر می‌گیرد [۳۵]. ممکن است استدلال شود که این اقدامات قانونی نیستند ولی در چارچوب منافع مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و در قالب پیمان فضا قابل ارزیابی هستند. بنابراین پذیرفتنی خواهد بود چنانچه ارسال تسلیحات متعارف به مدار زمین با همین اهداف توجیه شود.

قانونی بودن ارسال سلاح‌های متعارف به فضای ماورای جو

با توجه به آنچه در بالا به آن اشاره شد، ارسال تسلیحات متعارف به فضای ماورای جو، حتی به مدار زمین، عملی متعارض با مجموعه قوانین حقوق بین‌الملل فضایی تلقی نمی‌شود. چرا که ماده ۴ پیمان فضا، با دید محدود^{۱۱}، تنها استقرار تسلیحات اتمی و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی را در فضای ماورای جو ممنوع اعلام کرده و در مورد تسلیحات متعارف سخنی به میان نیاورده است. اشاره صرف به تسلیحات اتمی و سلاح‌های کشتار جمعی شاید تعمداً و برای استثناء کردن سلاح‌های متعارف از سوی پدیدآورندگان معاهده بوده باشد. واقعیت این است که ارسال تسلیحات متعارف به فضای ماورای جو، تخلفی از تعهدات کشورها در چارچوب مواد ۱ و ۴ پیمان فضا محسوب نمی‌شود. این نتیجه‌گیری سبب شده تا در معاهده پیش‌بینی لازم صورت پذیرفته و استقرار پایگاه‌ها، تأسیسات و استحکامات نظامی و آزمایش هر نوع سلاح و انجام مانورهای نظامی در کره ماه و دیگر اجرام سماوی ممنوع تلقی شود و بهره‌برداری از ماه و سایر اجرام سماوی را صرفاً برای اهداف صلح‌آمیز مجاز اعلام کند. در موافقت‌نامه ماه در سال ۱۹۷۹، مربوط به فعالیت کشورها در ماه و سایر اجرام سماوی، هر نوع تهدید یا کاربرد زور یا هر نوع عمل خصمانه یا تهدید به انجام عمل خصمانه

ثبت ملی کشورها، نسبت به ثبت اشیای پرتاب شده از سوی دولت‌های خود اقدام می‌کنند، با این حال مفاد معاهده الزامی را بازگو نمی‌کند. در این خصوص، ماده ۵ پیمان فضا کشورها را متعهد می‌سازد تا نسبت به بازگرداندن فضاوردان به کشورهای ثبت‌کننده شیء فضایی (که حامل آنها بوده) در مواقع فرود اضطراری به زمین، اقدام کنند. ماده ۸ پیمان فضا اشاره به این نکته دارد که کشور ثبت‌کننده، هم محق و هم موظف است اشیای پرتاب شده به فضا را کنترل نماید. کنوانسیون ثبت، این موضوع را وسعت بخشیده و به‌طور جزئی‌تر به روند ثبت اشیای فضایی در چارچوب قوانین ثبتی داخلی کشورها می‌پردازد. همچنین از کشورها دعوت شده است تا ثبت اشیای پرتاب شده را به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد برسانند [۴۳]. کشورهایی که تاکنون به کنوانسیون ثبت، ملحق نشده‌اند، می‌توانند به‌صورت داوطلبانه و برای رعایت قطعنامه 1721B مجمع عمومی سازمان ملل متحد این اقدام را انجام دهند [۴۴]. اطلاع‌رسانی به دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد ثبت اشیای پرتاب شده بر اساس قطعنامه مذکور یک موضوع عمومی و تحت عنوان «قطعنامه ثبت»^{۲۲} صورت می‌گیرد، در حالی که ثبت اشیای پرتاب شده توسط امضاکنندگان، تحت عنوان «کنوانسیون ثبت»^{۲۳} انجام می‌گیرد. الزامات ثبت اشیای پرتاب شده در قطعنامه یاد شده در مقایسه با کنوانسیون ثبت، کمتر سخت‌گیرانه است. قطعنامه صرفاً از کشورها می‌خواهد اطلاعات مربوط به اشیای پرتاب شده به مدارهای زمین و فضای بالاتر را به سازمان ملل متحد ارسال کنند تا به‌صورت عمومی و بر اساس وظایف دبیرکل منتشر شوند. قطعنامه از دولت‌ها می‌خواهد تا نسبت به تهیه و ارسال اطلاعات جزئی ثبت به سازمان ملل در «اسرع وقت»^{۲۴} اقدام کنند و این در حالی است که از کشورهای متعهد در کنوانسیون ثبت خواسته شده است تا «اطلاعات ثبتی مناسب» مربوط به اشیای پرتاب شده و انتشار بین‌المللی آنها را بر طبق ماده چهار کنوانسیون ثبت، در «سریع‌ترین زمان ممکن»^{۲۵} گزارش کنند. علاوه بر این، قطعنامه در مورد محتوای اطلاعات مربوط به انتشار بین‌المللی سکوت کرده است ولی کنوانسیون ثبت این مسئله را با جزئیات بیشتر مطرح کرده و کشورها را متعهد می‌سازد تا بر اساس نظام‌های ثبتی ملی خود نسبت به ثبت اشیای فضایی و گزارش به سازمان ملل متحد اقدام نمایند. اینکه ثبت تسلیحات ارسال شده به فضای ماورای جو نیز مطابق کنوانسیون ثبت و در چارچوب قوانین ثبتی ملی انجام شود،

فعالیت‌ها مطابق موازین این معاهده هستند. فعالیت بخش‌های غیردولتی در فضای ماورای جو، شامل ماه و سایر اجرام آسمانی باید با نظارت و کسب مجوز مقامات دولتی متعهد در این معاهده صورت پذیرند...

واضح است که این ماده از دولت‌ها می‌خواهد تا بر فعالیت بخش‌های غیردولتی در فضا نظارت مستمر داشته و این اقدامات با کسب مجوز از دولت‌ها صورت بگیرند؛ چرا که این دولت‌ها هستند که باید مسئولیت بین‌المللی این اقدامات را بپذیرند [۳۹]. با این استدلال، دولت‌ها باید درباره فعالیت‌های نظامی بخش خصوصی، از جمله در مورد ارسال و استفاده از تسلیحات متعارف در مدار کره زمین، اطمینان به‌دست آورند که در چارچوب موازین و مقررات حقوق بین‌الملل انجام شوند.

پیش‌نویس معاهده جلوگیری از ارسال تسلیحات و تهدید به کاربرد زور در فضای ماورای جو

در ۲۶ ژوئن سال ۲۰۰۲، کشورهای چین و روسیه، به‌طور مشترک، پیش‌نویس معاهده جلوگیری از ارسال تسلیحات به فضا و تهدید یا استفاده از زور بر ضد اشیای فضایی را به کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل متحد تقدیم کردند [۴۰]. در این پیش‌نویس بر سه نکته مهم تأکید شده است:

- عدم ارسال یا استقرار هر نوع سلاح، به هر شکل، در فضای ماورای جو و اجرام سماوی؛
- عدم توسل به زور یا تهدید به استفاده از زور بر ضد اشیای فضایی؛
- عدم حمایت یا تشویق کشورهای دیگر به انجام چنین اقدامات غیرقانونی.

با توجه به اینکه تصمیم‌گیری‌های کنفرانس خلع سلاح با وفاق عام صورت می‌گیرد و با عنایت به ادامه موضوع مخالف ایالات متحده آمریکا با این پیش‌نویس، برای موفقیت در تصویب این معاهده چشم‌انداز روشنی وجود ندارد [۴۱]. با این حال، اهمیت چنین پیشنهادی با توجه به حمایت کشورهای چین و روسیه و نیز تعداد زیادی از کشورها در کنفرانس خلع سلاح روشن بوده و بیانگر این مسئله است که چارچوب حقوق بین‌الملل فعلی در زمینه فضای ماورای جو، به‌ویژه ماده ۴ پیمان فضا، فاقد تمهیدات لازم برای ممنوعیت نظامی شدن و تسلیحاتی کردن فضای ماورای جو است [۴۲].

ثبت اشیای فضایی

به‌طور کلی، همه اشیای پرتاب شده به فضای ماورای جو باید مراحل ثبت را طی کنند. پیمان فضا بر این فرض تکیه دارد که سیستم‌های

22. Registration Resolution
23. Registration Convention
24. promptly
25. as soon as practicable

به صورت عام اظهار نظر می‌کند و تفاوتی بین اشیای نظامی و غیرنظامی قائل نشده است. این ابهام در تعاریف، در مورد وظایف مربوط به انتشار اطلاعات ثبتی، طبق ماده ۴ کنوانسیون ثبت، نیز وجود دارد که موجب بروز مشکل در مورد تسلیحات در فضا می‌شود. کنوانسیون ثبت، همانند سایر معاهدات، نمی‌تواند در خلأ مورد ارزیابی قرار گرفته و باید در کنار سایر تعهدات و حقوق کشورها مورد توجه قرار گیرد. حقوق مربوط به طرف‌های درگیر، از جمله ارسال و استفاده از تسلیحات متعارف در فضای ماورای جو، در متن و فحوای حقوق بین‌الملل بشردوستانه، یا حقوق مخاصمات مسلحانه و همچنین حقوق در جنگ، وجود دارند. یکی از اصول اساسی در حقوق مخاصمات مسلحانه مربوط به مفهوم «جنگنده» است [۴۶]. در نبرد فضایی، جنگنده بودن مشروط به وابستگی به یکی از نیروهای نظامی طرفین متخاصم و تحت فرماندهی شخص مسئول است. جنگجویان باید از افراد غیرنظامی قابل تشخیص باشند و دارای علائم قابل شناسایی باشند و تسلیحات خود را به صورت آشکار حمل کنند و اقدامات نظامی خود را در چارچوب حقوق مخاصمات مسلحانه انجام دهند. تسلیحات به کاررفته مانند هواپیمای جنگی نیز باید قابل تشخیص باشند. در نتیجه، کشورها باید در ارسال تسلیحات به فضا و اشیای فضایی مسلح، قواعد مربوط به شناسایی نظامی را با توجه حقوق مخاصمات مسلحانه کنونی مراعات نمایند. از این نقطه نظر، حقوق مخاصمه مسلحانه الزامات بیشتری نسبت به کنوانسیون ثبت در بردارد، در کنوانسیون ثبت تعهدی درباره ضرورت علائم اشیای فضایی مطرح نشده است. یکی از تأثیرات علائم اشیای فضایی، تسهیل مسئولیت‌های حقوقی خواهد بود که یکی از کارکردهای کنوانسیون است.

در اینجا مسئله حائز اهمیت، مشخص کردن تبعات حقوقی تظاهر به وضعیت غیرنظامی، در یک سلاح فضایی است. یکی از موارد مهم نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مسئله تجاوز به حقوقی است که بر اساس آنها دولت‌ها متعهد هستند نه تنها از انجام آن پرهیز کنند، بلکه باید اقدامات تنبیهی بر علیه مرتکبان و آمران و فرماندهان عمل مذکور به عمل آورند و به عنوان جنایات جنگی با آنها برخورد کنند [۴۶]. بخش ۶ بند ۳ ماده ۸۵ پروتکل اول الحاقی، اعمال غیرقانونی خیانت‌آمیز را که شامل سوء استفاده از علائم متمایز صلیب سرخ و هلال احمر و دیگر علائم حفاظت‌کننده مورد تأیید کنوانسیون ژنو یا پروتکل اول الحاقی می‌شوند، مورد تصدیق قرار می‌دهد. تظاهر به وضعیت غیرنظامی در این فهرست جای نگرفته است. بنابراین تظاهر به حالت غیرنظامی با یک سلاح فضایی تخلفی مهم تلقی نشده و مانند یک تخطی معمولی و قابل مجازات بر اساس حقوق مخاصمات

در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. با این وجود، پیشرفت‌های صورت گرفته در زمینه فناوری‌های نظامی و قابلیت ارسال نیروهای نظامی به فضا، در فضا، و از فضا، سبب شده است تا انجام ارزیابی‌های جدیدی در مورد تطبیق قوانین مربوط به ثبت اشیای فضایی ضروری به نظر برسد. تا آنجا که به کنوانسیون ثبت مربوط می‌شود، ثبت اشیای نظامی ارسال شده به فضا، در فضا و از فضا، بنابر تفسیر عبارت «ثبت مناسب»^{۲۶} در ماده باید انجام شود، ولی تطابق ماده ۴ برای اشیای نظامی فضایی موضوعی است که نیاز به بازنگری دارد. به سخن دیگر، باید یک تفکیک دقیق بین سیستم‌های ثبت اشیای پرتاب شده غیرنظامی و نظامی به وجود آید. ایجاد تفکیک میان این دو نوع ثبت، بر اساس الزام انتشار بین‌المللی اطلاعات سیستم‌های ثبتی ملی که به ثبت اشیای فضایی به صورت کلی و ارسال تسلیحات فضایی به طور خاص تصریح کرده، تا حدی مناقشه برانگیز خواهد بود. این بحث زمانی نمود خواهد یافت که در نظر داشته باشیم موضوع ثبت اشیای فضایی در سازمان ملل به صورتی است که این اطلاعات برای همگان قابل دسترس خواهد بود. در نتیجه، استدلال‌های مختلفی در الزام و توجیه بازبینی در تفسیر واژه «ثبت مناسب» و به انتشار بین‌المللی جزئیات اشیای فضایی نظامی وجود دارد.

موضع کشورهای قدرتمند در مذاکرات کمیته بهره‌برداری صلح‌آمیز از فضا در سازمان ملل بر این اساس است تا آنها اطمینان حاصل کنند که مقررات کنوانسیون ثبت مانعی برای پنهان‌سازی فعالیت‌های نظامی فضایی آنها ایجاد نخواهد کرد، هر چند به ظاهر این فعالیت‌ها باید آشکار باشند. سند سنای ایالات متحده آمریکا حاوی این نکته است که جزئیات موضوعات ثبتی مطابق کنوانسیون ثبت، زمینه ایجاد ابهام را فراهم ساخته است [۴۵]. در ماده ۱ کنوانسیون ثبت، کشورها مجبور نیستند اطلاعات ثبتی فضایی‌ها و مشخصه‌های آنها را که برای تعیین کشور پرتابگر، برای انتساب مسئولیت کشور ضروری است ارائه کنند؛ بلکه تنها به تهیه و ارسال شماره ثبت شیء فضایی یا اطلاعات سازنده ملزم هستند [۴۳]. نکته مهم اینکه کشورهای پیشرو فضایی تاکنون گزارشی در ارتباط با مأموریت‌های فضایی با اهداف نظامی ارائه نکرده اند [۴۵].

مشکل تطابق متن کنوانسیون ثبت با وظایف تعیین شده توسط حقوق بین‌الملل در مورد کارکرد حقوق مخاصمات، به علت ابهام در کلمات و تعاریف کنوانسیون ثبت تشدید شده است. کنوانسیون ثبت در ماده ۲ اشاره می‌کند، زمانی که یک شیء فضایی به مدار زمین و یا فضای بعد از آن پرتاب می‌شود، کشور پرتاب‌کننده موظف است آن شیء را به ثبت برساند. کنوانسیون درباره «اشیای فضایی»،

مسلحانه با آن برخورد می‌شود.

در مورد سلاح‌های ارسال شده به فضای ماورای جو نیز نباید با ثبت اطلاعات ناقص و معرفی به عنوان ماهواره غیرنظامی، پنهان کاری شود؛ چرا که این مسئله سبب خواهد شد یک عمل غیرقانونی، با معرفی یک سلاح به عنوان اقدامی قانونی تلقی شده و از مجازات در نظر گرفته شده طبق حقوق جنگ بگریزد. سلاح ارسال شده به فضا نباید از دید بین‌المللی پوشیده باشد، ارائه این اطلاعات مهم از جمله مشخصات شیء فضایی مسلح، نقطه اوج و حوضیض آن و دوره گردش آن برای طرف مقابل، منجر به کنترل مناسب‌تر فضا و رسیدن به اهداف مورد نظر خواهد شد [۴۷].

دولت‌ها همیشه فعالیت‌های نظامی خود را در خفا و با عناوین غیر واقعی انجام می‌دهند، این واقعیت در مورد کنوانسیون ثبت هم می‌تواند صادق باشد. در یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، دولت‌ها هیچگاه آرایش و موقعیت نیروهای نظامی خود را آشکار نمی‌کنند. نوع نگاه پیش‌نویس کنوانسیون ثبت، آنجا که عنوان می‌کند، «در صورت امکان و در زودترین زمان ممکن» دبیر کل را مطلع سازند، سبب می‌شود این اطمینان به وجود آید که این عمل به فضای ماورای جو نیز تسری خواهد یافت [۴۷].

بنابراین می‌توان انتظار داشت تسلیحات ارسال شده به فضا در نظام‌های ثبتی نظامی کشورها در راستای کنوانسیون ثبت، به ثبت برسند. البته در این زمینه می‌توان ارسال جزئیات مورد ثبتی به دبیرکل سازمان ملل را مستثنی کرد.

نتیجه‌گیری

اصول «حقوق در جنگ» عموماً برای تنظیم مخاصمات مسلحانه در زمین تنظیم شده و متناسب با عملیات نظامی در فضای ماورای جو نیستند. با وجود این تلاش‌ها باید برای تعریف، تبیین و توسعه اصول موجود با حداکثر شفافیت ممکن انجام شود. این مسائل در کنار مقاومت برخی کشورها، به این معنی است که برای حفاظت از فضای ماورای جو از تهدیدات نظامی، قوانین موجود ناکافی بوده و قواعد خاص‌تری مورد نیاز هستند.

ارسال تسلیحات به فضای ماورای جو، چه بر اساس ماده ۴ معاهده فضا، یا قوانین حقوق عرفی بین‌الملل، همچنان موضوع رعایت حقوق و منافع دیگر کشورها را با خود به همراه دارد. بر همین اساس، ارسال تسلیحات نظامی به فضای ماورای جو، اگر تعهد ارسال اطلاعات ثبت به سازمان ملل، طبق ماده ۴ کنوانسیون ثبت هم در نظر گرفته نشود، در زمینه پرتاب، ارسال و استفاده از چنین سلاح‌هایی، مستلزم رعایت حقوق و ملاحظات سایر کشورها، در زمان صلح و مخاصمات مسلحانه است و ضروری است تا چنین

ملاحظات در قواعد قابل انطباق مربوط به مخاصمات در تسلیحات فضا پایه، انعکاس یابند.

در زمان مخاصمه مسلحانه، یک کشور درگیر در نبرد فضایی باید به تعهدات خود بر اساس حقوق بشردوستانه، در قبال افراد و اشیای غیرنظامی در فضای ماورای جو عمل کند. از این نظر، تعهداتی که در پروتکل اول الحاقی به آنها اشاره شده‌اند درجه اهمیت بالاتری دارند. بخش‌های درگیر، همچنین باید اقدامات احتیاطی را برای حفاظت از اشیای غیرنظامی در برابر حملات به عمل آورند [۴]. با توجه به این نکته که سیستم‌های تسلیحاتی ارسال شده به فضا، یک هدف مشروع نظامی تلقی می‌شوند و ممکن است هدف حمله قرار گیرند، این سیستم‌ها نباید در مدارهای هم سطح ماهواره‌های غیرنظامی قرار گیرند [۴].

در آینده نزدیک، آلودگی‌های ناشی از آزمایش سلاح‌های ضدماهواره اثراتی را در گستره وسیعی از فضای مدار، بر عملکرد ماهواره‌های غیرنظامی و تجاری بجای خواهد گذاشت. تعیین مناطق حفاظت شده یا مناطق صرفاً نظامی در فضای ماورای جو، به سختی امکان‌پذیر است و اجرای آن نیز با مشکلات عدیده بیشتری مواجه خواهد بود. با وجود این چالش، قواعد حقوقی مربوط به استفاده از زور باید مورد توجه قرار گیرند و باید حدود کاربرد سیستم‌های تسلیحات فضایی با بهره‌گیری از سیستم‌هایی که موجب انهدام، آلودگی و انفجار وسیعی می‌شوند، معین گردد. پیش‌بینی رفتار کشورها در برابر تعهدات مربوط به محدوده‌های غیرنظامی، در زمان مخاصمه مسلحانه، کار دشواری است، با توجه به این نکته که معاهدات هم در این مورد سکوت اختیار کرده‌اند. این چالش با توجه به این واقعیت که سوابق قبلی اندکی درباره رفتار کشورها و همچنین عملیات نظامی در محدوده‌های غیرنظامی وجود دارد، تشدید شده است.

مراجع

- [1] Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 1996 I.C.J. 259, 8 July.
- [2] Henckaerts, J. M. and Doswald-beck L., *Customary International Humanitarian Law*, Cambridge University Press, 2005.
- [3] Protocol For The Prohibition Of The Use In War Of Asphyxiating, Poisonous Or Other Gases, And Of Bacteriological Methods of Warfare, appendix XXII, 17 June, 1925, 94 UNTS 65.
- [4] Additional Protocol to the Geneva Conventions of 12 August 1949 and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June, 1977, 1125 U.N.T.S. 3.
- [5] Res, S. C., 1674, 6, U.N. Doc. S/RES/1674, 28 April 2006.

- [21] Cheng, B., "The 1967 Outer Space Treaty 30th Anniversary," *Air & Space Law*, No.XXIII 1998, pp. 156-158.
- [22] Res. G. A., 1348 (XIII), 3, U. N. Doc. A/4090, 13 Dec. 1958.
- [23] Res. G. A., 1962 (XVIII), 4, U.N. Doc. A/5656, 13 Dec. 1963.
- [24] Jasentuliyana, N., *International Space Law and the United Nations*, Springer Publication, New York, 1999, PP. 174-175.
- [25] UN Doc. A/AC.105/C.2/SR.66, at 6, 1966.
- [26] Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Merits), ICJ Rep 14, 1986.
- [27] مواد ۲۵ و ۴۸ منشور ملل متحد
- [28] UN Doc. A/AC.105/C.2/SR.66, at 6, 1966.
- [29] SS Lotus (France V. Turkey), PCIJ Ser. A., No. 10, 1927.
- [30] Christol, C., *Space Law: Past Present and Future*, Springer Publication, New York, 1991, p. 70.
- [31] Gorove, S., "Implications of International Space Law for Private Enterprise," *Annals of Air & Space Law*, No.7, 1982, p. 321
- [32] ماده ۱ منشور ملل متحد.
- [33] ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد.
- [34] مواد ۳۹ و ۴۲ منشور ملل متحد
- [35] Certain Expenses of the United Nations, ICJ Rep 151, 1962, at 167.
- [36] ماده ۳ موافقتنامه ماه
- [37] Bothe, M., "Terrorism and the Legality of Pre-Emptive Force," *European Journal of International Law (EJIL)*, No.14, 2003, p. 227.
- [38] Hostages Trial (United States of America V. Wilhelm List et al.), 8 Law Reports of Trials of War Criminals 56, 1949, at 111.
- [39] Bourbonnière, M. and Lee, R. J., "Legality of the Deployment of Conventional Weapons in Earth Orbit: Balancing Space Law and the Law of Armed Conflict", *European Journal of International Law (EJIL)*, No.18, Nov. 2007.
- [40] UN Conference on Disarmament, 'Letter Dated 27 June 2002 from the Permanent Representative of the People's Republic of China and the Permanent Representative of the Russian Federation to the Conference on Disarmament.
- [41] US Mission in Geneva, 'Remarks by Ambassador Eric M. Javits to the Conference on Future Security in Space', at: www.usmission.ch/press_2002/0529javitssecurityinspace.html, last Visit at: July 2010.
- [42] UN Conference on Disarmament, 'Letter Dated 7 March 2007 from the Permanent Representative of the Russian Federation and the Permanent Representative of China to the Conference on Disarmament.
- [6] Maogoto, J and Freeland, S., The Final Frontier: "The Laws of Armed Conflict and Space Warfare", *Connecticut Journal of International Law*, 2007, P. 9.
- [7] Declaration Renouncing the Use, in Time of War, of Explosive Projectiles Under 400 Grams Weight, Nov.29, 1868, 1 *AJIL* 95.
- [8] Treaty Banning Nuclear Weapon Tests in the Atmosphere, in Outer Space and Under water, 5 Aug. 1963, 14 U. N. S. T. 1313.
- [9] Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, including the Moon and Other Celestial Bodies (Outer Space Treaty), 1967, art. IV.
- [10] Jasani, B., "Space Weapons and International Security An Overview", *Space Weapons and International Security*, No.19, Stockholm International Peace Research Institute, Oxford University Press, 1987.
- [11] Stares, P. B, *The Militarization Of Space: U. S. Policy*, Cornell University Press, 1985, P.111.
- [12] Morgan R. A, "Military Use of Commercial Communication Satellites: A New Look at the Outer Space Treaty and Peaceful Purposes," *Journal of Air Law and Commerce*, No. 60, 1994, pp.237, 267.
- [13] The National Security Strategy of the United States of America, art. IX at: www.whitehouse.gov/nsc/nss.html, last visit at: Oct. 2007.
- [14] Mosteshar, S., "Militarization of Outer Space: Legality and Implications for the Future of Space Law", *47th Proceeding of the Colloquium on the Law of Outer Space*, 2004, p. 473.
- [15] Tucehurst R., "The Martens Clause and the Laws of Armed Conflict", Nov. 1997, at: www.icrc.org/Web/Eng/siteeng0.nsf/html/57JNHY, last visit at: Oct. 2009.
- [16] Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons which May be Deemed to be Excessively Injurious or to Have Indiscriminate Effects (with protocols), 10 Oct. 1980, No. 22495, 1342 U.N.T.S. 163, entered into force 2 Dec. 1983.
- [۱۷] این مبحثی بر نظر دیوان کیفری نورنبرگ است که مفاد کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۴۶ را در زمره قواعد عرفی بین‌المللی اعلام می‌کند.
- [18] Diplomatic Conference on Reaffirmation and Development of International Humanitarian Law Applicable in Armed Conflict: Protocols I and II to the Geneva Conventions art. 1(2), 8 June 1977, 16 I.L.M. 1396-97.
- [19] Convention on the Prohibition of Military or Any Other Hostile Use of Environmental Modification Techniques, 18 May 1977, 31 U.N.S.T. 333, entered into force 5 Oct. 1978.
- [20] Schmitt, M. N, "Green War: An Assessment of the Environmental Law of International Armed Conflict," *Yale Journal of International Law*, No. 22, 1997, pp.1, 82.

Prevention of an Arms Race, Jasani (ed.), UNIDIR, 1991, p. 190

[46] The Hague Convention Respecting the Laws and Customs of War on Land: Regulations Concerning the Laws and Customs of War on Land, 18 Oct. 1907.

[۴۷] ماده ۷ کنوانسيون ثبت

[۴۳] ماده ۴ کنوانسيون ثبت

[44] GA Res 1721B (XVI), 20 Dec.1961.

[45] Vlastic, "The Legal Aspects of Peaceful and Non-Peaceful Uses of Outer Space", in *Peaceful and Non-Peaceful Uses of Space Problems of Definition for the*